

حکمت دوم، صورتی تراشیده و هیچ تسمایی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین
 در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود مساز. تردانها سعده مکن
 و آنها را عبادت منما زیرا که من بهوه خدای تو می باشم خدای غمزهستم که انتقام گناه
 پدر ترا از پسران تا پیست سوم و چهارم از آنانیکه برادشمن دارند می گیرم. و ماهزار پیست
 بر آنانیکه مرادست دارند و احکام مرا نگاه دارند رحمت مکنم. (سفر خراج ۲۰ آیات ۴ تا ۶)

تفسیر - چنانکه در فرمان اول خدا بیان فرمود که او تنها خداست و جز او هیچ خدایان دیگری
 نیست که مورد تفکر و تمسین و پرستش واقع شود در این فرمان برای اینکه به وضوح
 تفهیم شود شخصی می کند که چه خدایی است و چگونه باید او را پرستش کنیم تا ما هیچ تغیب
 نفسانی از او بر این خود بوجود نیاریم. منظور از این فرمان اینست که منم خواهد اجازه دهد
 که پرستش او بوسیله کارها و مراسم خرافاتی ناپاک شود. بوسیله مهمومات این فرمان
 می خواهد از تمام خیالات نفسانی که از خدا در ذهنان بوجود می آید هم جلوگیری کند.
 او به این وسیله ما را به عبادت درست که عبادتی روحانی است بر حسب آنچه
 در کلام خود مقرر کرده راهنمایی کند.

این فرمان شامل دو قسمت است. در قسمت اول جلوی گرایش به خیالیاتی ما را می گیرد
 که ما خدا را که مافوق تصور است تابع خیالات شخصی کنیم و او را به صورتی یا شکلی تصور کنیم.
 در قسمت دوم ما را از پرستش هر نوع تصویر و صورتی منع می کند.
 در این قسمت بطور خلاصه انواع بجزئی که نبی دینان و انتهای خرافاتی آنها را به تصور
 خدا پرستش می کردند بیان می کند. در عبارت آنچه در آسمان است اشاره می کند به خورشید و ماه و ستارگان
 و نیز به پرندگان (همچنین در فرستنده ۴، ۱۶، ۱۹). به این ترتیب باید کاملاً مواظب بوده
 و بدانیم که هر نوع شکل و صورتی که انسان برای تصور خدای سازد کاملاً با طبیعت الهی
 مناقض بوده و بر پاداشتی هر نوع مجسمه ای یا بی به عنوان خدا عبادت راستین خدا را
 تکذیب و فاسد می کند. سپس برای اغطار از انحراف از فرمانش در آیه ۵ فرمود
 زیرا که من بهوه خدای تو می باشم خدای غمزهستم که انتقام گناه پدر ترا از پسران تا
 پیست سوم و چهارم از آنانیکه برادشمن دارند می گیرم. به این ترتیب ما را به فکری آورد
 که او تنها کسی است که ما باید به آن متوسل شویم و کسانی که او را کم ارزش یا حقیر
 تصور می کنند بدون مجازات نخواهند ماند. همچنین خدای غیر است به این معنی
 که غیرت الهی او دیگری را در کنار خود تحمل نخواهد کرد و به این دلیل از هر کس که
 آن ستایش و آرای که متعلق به خداست به انسانها یا اجسام و تصاویری نیست دهد
 انتقام خواهد گرفت. بعد اشاره به نسلهای آینده می کند و به این ترتیب نشان می دهد
 که انتقام او از مسرکین و بت پرستان (همچون بت آشکار و غیره) در قلب مانند طبع پول
 فقط خلاصه و فوری نبوده بلکه طولانی و تدریجی خواهد بود طوری که عواقب این انتقام
 فرزندان و نسلهای آینده را نیز که به تقلید از پدران خود به جهان گناه گیده خواهند شد در بر
 خواهد گرفت. برخلاف آن به آثانی که تنها او را پرستش کرده و هیچ دیگری را در قلب

خود راه نمی دهند و عده می دهد که تا هزار بیست رحمت و مهر بانی خواهد کرد یعنی به کسانی که دوستدار و محافظ احکام او باشند. رابطه خدا با قوم خود یعنی با کسانی که با او عهد بسته اند اغلب در کتاب مقدس به رابطه بین شوهر و زن تشبیه شده. همچنین در پیوند مقدس از دواج و فاداری طرفین انسانی بوجه و محبت به یکدیگر بابت عبات و تقویت رابطه زن و شوهر می شود. خدا نیز از ما این انتظار را دارد که به دنبال خدایان دیگری نباشیم. به عبارت دیگر نباید با گسودن قلبیمان به تحریکات شیطان و شهوات نفسانی و طمع در رابطه خود با خدا به اصطلاح مرتکب زنا بشویم. وقتی عصیان بی اسرائیل را مجازات می کند نشان می دهد که چگونه قبلاً هر نوع شرم و حیاء را دور انداخته و خود را با فحشا لکه دار کرده بود. مانند شوهری که هر چه بیشتر در وفاداری و با حیاء نسبت به زن خود رفتار کرده با دیدن علاقه زن خود به مرد دیگری بیشتر ناراحت و غمشگین می شود. به همین ترتیب ما نیز غیرت الهی را برمی انگیزیم وقتی با علاقه مند شدن به دیگری رابطه پاک الهی را با خود لکه دار می کنیم و عهد و فاداری به او را می شکنیم.

حال ببینیم که منظور از مجازات سنگین نرسان خدا که منجر به انتقام گناه بدران از پسران تاخذ نسل می شود چیست. البته که برخلاف عدالت الهی است که بیگناهی را بخاطر گناهان دیگری مجازات کند چنانکه در حزقیال ۱۸ آیه ۲۰ می خوانیم پسر متحامل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحامل گناه پسرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خردش خواهد بود و شرارت مرد شر بر خردش خواهد بود. هر چند در آیات دیگری نیز در کتاب مقدس اشاره به مجازات گناهان بدران در سلسله های آینده می شود ولی هر انسانی در واقع در نظر خدا به خاطر گناهان خودش مقصر می شود به طوری که هیچ کس در خاتمه نمی تواند خدا را مقصر محسوبیت خود بداند. حقیقت اینست که تقریباً همیشه فرزندان بی ایمانان به همان راه بدران خود می روند و لعنت خدا در زندگی یک بی ایمان تمام خانواده او را در بر می گیرد.

از طرف دیگر وعده خدا برای رحمت به هزاران که او را دوست داشته و احکام او را بجای آورند پا برجا است چنانکه در ایشال سلیمان ۳۰ آیه ۷ می خوانیم: مرد عادل که بکاملت خود سلوک نماید پسرانش بعد از او نخبسته خواهند شد. این رحمت نسبت به فرزندان ایماندار نه تنها نتیجه تربیت صحیحی که از والدین یافته می باشد که خود بسیار با ارزش است بلکه از برکت خدا که در عهد خود با ایماندارش و عهد دارد این رحمت سرچشمه می گردد یعنی اینکه فرزندان و نوه های ایمانداران نیز از آن برکت بهره مند می شوند. این وعده برای ایمانداران یک منبع تسلی بزرگی است در حالی که برای بی ایمانان باعث ترس و وحشتناک است. بنابراین اگر یاد عدالت ایمانداران و با عدالتی و گناه بی ایمانان همچنان پس از مرگ نزد خدا باقی می ماند طوری که در نتیجه آن به فرزندان شان یا برکت یا لعنت را می رساند حال چه در بیت تران برکت یا لعنت به آنانی می رسد که خود نیکی یا شرارت را به عمل آورده اند.

آن مجازاتی که عده ای از بی ایمانان در این دنیا می کنند خود سَهاری است بر غضب الهی بظاطر گناه بر تمام گناهکاران (هر چند که به نظر آید برای بی ایمانانی که تا آخر عمر بدون مجازات زندگی می کنند در کار نخواهد بود). اگر خداوند بلافاصله گناهکار را مجازات نمی کند دلیل به بی عدالتی او نیست بلکه نشانه صبر و رحمت او به گناهکار است از آنجایی که مایل است همه توبه کنند. ولی باگذشت زمان و ادامه به سرسختی و عدم بازگشت به خدا و اطاعت از حکم او کاسه غضب خود را پر می کنند تا روزی لبریز شود.

با مقایسه آیات ۵ و ۶ در مورد حکم دوم ده فرمان مشاهده می کنیم که اثر رحمت او به هزاران پشت به مراتب بیشتر است از اثر انتقام او که به نسل سوم و چهارم بی ایمانان هم می رسد.

در حالی که فرمان اول پرستش درونی خدا بوسیله محبت، رغب بودن، خوشی و امیدوار بودن به خدا و تحسین کردن او را شامل می شود، فرمان دوم به پرستش برونی که شامل دعا رستایش و توجه دقیق به کلام خدا است اشاره می کند تا پرستش ما به قوت تخیل و تجسم چیزهای برونی نبوده بلکه پرستش واقعی به قوت ایمان باشد. چون ایمان مربوط و وابسته به کلام خدا می باشد بنابراین پرستش واقعی خدا آن است که فقط بر مبنای کلام خدا بوده و از آن شکل و جهت می گیرد و نه از اجسام یا تخیلات و خلافاتی که از نفس فاسد انسانی سرچشمه گرفته باشد.

در مورد مهم پرستش خدا بجا است که امثال سلمان با ۳ آیه ۵ و ۶ را در نظر بگیریم: به تمام دل مفود به خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن (یا به تخیلات ذهنی و افکار انسانی) در همه راههای خود او را شناس (بوسیله کلامش) و او طریقهای ترا راست خواهد گردانید (که شامل طریقهای پرستش او هم می شود)